

محورهای امید در ادیان ابراهیمی

محسن شریعتی*

مهراب صادقی نیا**

چکیده

«امید»، از مسائل مهم و اساسی در عرصه فرد و اجتماع است و برای بسیاری از مسائل اجتماعی نقشی محوری دارد؛ و محرک ذاتی و اصلی زندگی و عامل پویایی روان انسان است.

بدیهی است، موضوع امید در ادیان، مخصوصاً ادیان ابراهیمی که داعیه اصلاح فرد و اجتماع را دارند، به نحو ویژه‌ای مطرح گردد، این امید در ادیان ابراهیمی در سه مقوله اصلی: امید به آینده، امید به آخرالزمان، و امید به آمدن منجی، قابل دسته بندی است. به عبارت دیگر، آموزه‌های دینی مرتبط با موضوع امید در ادیان ابراهیمی در جهت ایجاد امید در این سه محور می‌باشد:

۱. امید به آینده: این آموزه‌ها در صدد ایجاد روحیه امید به آینده و عدم یاس از وضعیت موجود است.
 ۲. امید به آخرالزمان: این دوره میعادگاه امید بشر و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در بخش اول آن، تاریکی و خطر و آسیب و در بخش دوم، سراسر نور و زیبایی و عدالت است.
 ۳. امید به آمدن منجی: این امید، بر آمدن فردی الهی از نسل پاکان منطبق و متصور می‌گردد و نسبت به دو امید قبل از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ چون از طرفی مکمل مقوله امید است و از طرفی مهم‌ترین مصداق برای امید به آینده و آخرالزمان می‌باشد. امید به منجی است که پویایی و نشاط و معنابخشی در جامعه ایجاد می‌شود و پناهگاهی معنوی برای مردم و زمینه‌ساز رشد و تعالی بشر و محرکی برای نبرد با ظلم و ستم و انقلاب می‌گردد و تسکین دهنده‌ای قوی برای مصائب و مشکلات می‌باشد و طبعاً از عوامل مهم انسجام اجتماعی به شمار می‌رود.
- بدیهی است هر کدام از ادیان که تصور واضح‌تری نسبت به امید و منجی ارائه کند، در رسیدن به

کارکردهای فردی و اجتماعی موعود باوری، توفیق بیش‌تری (هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی) می‌یابد. در این بین، مذهب شیعه، نسبت به مقوله امید‌نگرشی خاص و ویژه ارائه می‌کند که از همه ادیان و مذاهب متمایز است. این امید به آینده و آخرالزمان و منجی، در نگرش شیعی، در بسیاری از مسائل فردی و اجتماعی نقش محوری و کلیدی به خود گرفته است. واژگان کلیدی: امید، منجی، ادیان ابراهیمی، آخرالزمان، آینده، مسیحیت، یهودیت.

مقدمه

امید، محرک ذاتی و اصلی زندگی و عامل پویایی روان انسان بوده و برای به فعلیت رسیدن خواسته‌های بشر، بستری مناسب می‌باشد. تنها با کمک امید است که می‌توان به قوا و پتانسیل‌های نهفته درونی، جامه عمل پوشاند. امید، زندگی را زیبا و هدفمند می‌کند و برای مواجهه با مشکلات و سختی‌ها اینای بشر را مجهز می‌سازد. امید، از نعمت‌های الهی و رحمتی از جانب حق تعالی برای بندگان است؛ چنان که نبی مکرم ﷺ می‌فرمایند:

امید، رحمت خدا برای امت من است. اگر امید نبود، مادری فرزند خود را شیر نمی‌داد (پاینده، ۱۳۸۲: ۳۴۴).

انسان امیدوار، در رویارویی با پدیده‌ها و جهان اطراف خود نگرشی مثبت و سازنده دارد و انسان نا امید، چون از آینده خویش مایوس است، زندگی را خسته کننده و ملال آور می‌داند و اگر با نور امید، خود را از تاریکی ناامیدی نجات ندهد، کم‌کم پایه‌های عقیده و زندگی او سست و شکننده می‌شود. اهمیت این مطلب، زمانی روشن‌تر می‌شود که بدانیم افسردگی، به عنوان بیماری قرن، شایع‌ترین و دشوارترین اختلالی است که انسان معاصر با آن مواجه است.^۱

امید، در ادیان ابراهیمی به نحوی خاص، مورد بحث و گفت‌وگو قرار گرفته است. با بررسی آموزه‌های مرتبط با موضوع امید، می‌توان این آموزه‌ها را در سه مقوله اصلی: امید به آینده، امید به آخرالزمان و امید به منجی، دسته بندی کرد. به عبارت دیگر، آموزه‌های دینی

۱. ر ک : شرفی، محمدرضا، مقدمه ای بر آثار تربیتی و روان شناختی انتظار، موعود، شماره

مرتبط با موضوع امید در ادیان ابراهیمی در جهت ایجاد امید، در این سه محور است. از آن‌جا که بستر این امید در فرد، به نوع نگاه او به قدرت لا یزال الاهی وابسته است؛ هر دینی که تصویری والاتر و جامع از این قدرت الاهی برای پیروان خود ترسیم کند، نور امید را در دل پیروان خود فروزان‌تر خواهد ساخت و در نتیجه از کارکردهای مهم آن بهره‌ای بیش‌تر و والاتر خواهد برد.

طبیعی است موضوع امید در ادیان، مخصوصاً ادیان ابراهیمی که داعیه اصلاح فرد و اجتماع را دارند، به نحوی خاص و ویژه مطرح گردد و در مذهب شیعه که نسبت به قدرت الاهی بهترین نگرش را ارائه کرده و بالاترین برنامه را برای اصلاح فرد و اجتماع در دستور کار خود دارد، موضوعاتی چون امید و انتظار فرج و گشایش، از جایگاه والایی برخوردار باشند.

۱. امید به آینده

انسان امیدوار همواره مسیری رو به جلو دارد و آینده نگر است. او آینده را روشن و دست یافتنی دانسته و خواسته امروز خود را در فردا می‌جوید. او می‌داند که باید از وضعیت نامطلوب امروز گذر کند و فردا را بطلبد و روحیه خمودی و تنبلی، آفت اصلی راه است. دوآن شولتس، سلامت روانی را پیش‌نگر می‌داند، نه پس‌نگر. او دورنما را وضعیتی می‌داند که شخص امیدوار است روی دهد، نه آن‌چه پیش‌تر روی داده است و دگرگون‌پذیر نیست (حاتمی، ۱۳۸۵: ۱۵۹). آلپورت، نیز معتقد است افراد سالم کسانی هستند که به آینده می‌نگرند و حتی در آینده زندگی می‌کنند او می‌گوید:

راهنمای اشخاص بالغ، زمان حال و هدف‌ها و انتظاراتی است که از آینده دارند. افراد سالم به آینده می‌اندیشند و در آینده زندگی می‌کنند (پور سید آقایی، ۱۳۸۸: ۱۱۴).

هاکس، امید را آرزو و انتظار برای چیزهای نیک و مقاصد پسندیده می‌داند و معتقد است که امید، مؤمنین را بر احتمال امتحانات حالیه این جهان تقویت می‌دهد و ایشان را غیور می‌سازد (هاکس، ۱۳۷۷: ۱۰۸).

انسان همواره تشنه معارف و معنویتی است که امید به آینده در راس آن تجلی کند. از

این رو همه ادیان و مذاهب اخلاق محور، با ترسیم آینده‌ای روشن، به انسان امید به آینده و به خواسته‌های متعالی‌اش نوید وصال داده‌اند؛ مخصوصاً برای مدیریت بحران‌ها و سختی‌های بزرگ، به ایجاد روحیه امید در دل پیروان خود همت گماشته و در صدد برافروخته‌تر کردن این شعله کم فروغ بوده‌اند.

در این بین، ادیان ابراهیمی که طلایه دار ایجاد چنین روحیه‌ای در بین پیروان خود می‌باشند، همواره نور امید را در ضمیر پیروان خود فروزان نگه داشته و فرا رسیدن فرج و گشایش و عبور از وضعیت نا مطلوب و بد موجود را نوید داده‌اند و با ترویج فرهنگ امید به آینده و آموزه انتظار، بحران‌ها را مدیریت کرده و متذکر شده‌اند که در آینده‌ای نه چندان دور، همه چیز به کام آن‌ها خواهد بود.

الف - امید به آینده در آیین یهود

آیین یهود با سابقه‌ای بیش از چهار هزار سال، ترسیم خاص قومی نسبت به آینده ارائه می‌کند. به عبارت دیگر، خود را قوم برگزیده الهی می‌دانند و معتقدند آینده‌ی روشنی در انتظار آن‌هاست و این عبارت کتاب مقدس میان یهودیان رایج است:

اگر چه ابتدایت صغیر می‌بود؛ عاقبت تو بسیار رفیع می‌گردید (ایوب ۸: ۷).

و نویسنده کتاب انتظار مسیحا در این باره می‌نویسد:

یهودیان با گذشته‌ای تیره و تار در انتظار آینده بهتر بودند که پایان رنج‌های خود را در آن بجویند. کامیابی و فضیلت را نه در دوران طلایی گذشته، بلکه در آینده می‌جویند (گرینستون، ۱۳۸۷: ۱۸).

و تورات این امید را به این نحو ذکر می‌دهد:

اهالی اورشلیم را دلداری دهید و به آنان بگویید که روزهای سخت ایشان به سر آمده و گناهانشان بخشیده شده است (اشعیا ۴۰: ۲).

امید به آینده در یهودیان با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است که دوران اوج این امید را بعد از اسارت‌های بابلی در سال ۵۸۶ قبل از میلاد باید دانست و از آن دوران، همواره رسیدن به آرمان نجات خود را امید دارند و نقش انبیا در این دوران، برای ایجاد این روحیه پر رنگ

است.

یکی از پیامبرانی که در این زمینه نقش مهمی برای یهودیان داشته است، حزقیل بود. او اسیران را به داشتن ایمان به خداوند و نجات او فرا می‌خواند تا دوباره به یهودا بازگردند (کلاپرمن، ۱۳۴۹، ج ۱: ۱۹۲). به اعتقاد برخی، حتی هدف کتاب دانیال به عنوان اول کتاب مکاشفه‌ای، ایجاد و تقویت روحیه امید به رهایی قوم از ناملایمات و تحقق وعده الاهی و تحول و تغییر وضعیت آن‌ها بوده است (کلباسی اشتری، ۱۳۸۵: ۱۴۵).

این امید، به قدری برای یهود اهمیت داشت که در سده اخیر به انحراف و سوء برداشت از این اعتقاد منجر گردید و جریان صهیونیسم مذهبی شکل گرفت. این جریان، صرف امید به رهایی یهودیان را در آخرالزمان کافی نمی‌داند، بلکه در کنار این امید، وظیفه‌ای برای خود تعریف می‌کند که باید خود به تشکیل حکومت و تصرف ارض موعود بپردازند تا این امید هرچه زودتر محقق گردد.

ب- امید به آینده در آیین مسیحیت

هرچند آیین مسیحیت در بسیاری از موارد، همچون متون دینی و اعتقاد به انبیا و برخی قوانین با دین یهود مشترک است و به نحوی برآمده از آن دین می‌باشد؛ با گذر زمان در هویت دینی جدید و متفاوت با آیین یهود گسترش یافت.

در مسیحیت، امید و مژده به آینده جایگاه ویژه‌ای دارد؛ حتی بنا بر نظر میشل، نویسنده کتاب «کلام مسیحی»، نام کتاب مقدس (انجیل) هم گویای این امر است. ایشان معتقد است واژه انجیل برگرفته از واژه یونانی euangelion به معنای مژده است (میشل، ۱۳۸۷: ۴۳)؛ بدان معنا که باید این مژده و امید را در آینده جست‌وجو کرد و امیدوار بود.

بنابر آموزه‌های انجیل، آنچه بستر امید است و آن را ایجاد می‌کند، ایمان است. به عبارت دیگر، ایمان به خداوند زمینه ساز امید است. در رساله عبرانیان چنین آمده است: از آن جهت که شریعت هیچ چیز را کامل نمی‌گرداند؛ هم برآوردن امید نیکوتر، که به آن تقرّب به خدا می‌جوئیم (عبرانیان ۷: ۱۹).

مراد از ایمان، همان آمادگی برای اعتماد به وعده‌های خداوند و نیز اعتماد به صداقت

و خوش عهده‌ی خدایی است که چنان وعده‌هایی داده است (مک‌گراس، ۱۳۸۴: ۴۶۱). کارل لوت، الاهی‌دان اُرتدکس روسی اندیشه مسیحیت را بر امید به پایان تعارضات و مصیبت‌ها متکی می‌داند و ضمن آنکه این امید را مقبول همه نسل‌ها دانسته؛ آن را بستر اعتقاد به معاد معرفی کرده است (کنت، جان، ۱۳۸۳، ص ۱۴۹). به عبارت دیگر امید در مسیحیت نقش محوری و دارای کارکردی ویژه است که هرچند یک مسیحی از این امید فاصله بگیرد در واقع از عقاید مهمه و اصلی‌ترین خود دور شده و موجبات بی‌اعتقادی در او فراهم گردیده است.

ج- امید به آینده در آیین اسلام

اسلام برای مبارزه با خمودگی و ناامیدی، مسئله «انتظار فرج» را تبیین^۱ و همواره موجبات رسیدن به بالاترین مرتبه امید را فراهم می‌کند تا درون انسان، چون دژی محکم در برابر ناملایمات سخت گردد و مدیریت برون رفت از مشکلات را فرا گیرد.

شهید مطهری معتقد است که اصل «انتظار فرج» از یک اصل کلی اسلامی و قرآنی دیگر استنتاج می‌شود و آن اصل «حرمت یأس از روح الله» است. مردم مؤمن، به عنایات الهی، هرگز و در هیچ شرایطی امید خویش را از دست نمی‌دهند و تسلیم یأس و ناامیدی و بیهوده‌گرایی نمی‌گردند (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲۴: ۴۰۶).

اگر بستر اعتقادی مسلمان بر مبنای آموزه‌های وحیانی و صحیح شکل گیرد، نور امید به آینده و انتظار فرج و گشایش برای او فراهم می‌گردد و هرچه این اعتقاد از عمق بیش‌تری برخوردار باشد، بی‌شک نور امید به آینده فروزان‌تر خواهد بود و موجبات بهتری برای کاهش فشارهای درونی را فراهم می‌کند.

در متون دینی اسلام، امید خود موضوعیت دارد:

انتظار الفرج من اعظم الفرج (شیخ صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۳۲۰).

۱. «انتظار فرج»، مفهوم وسیعی دارد و فرج و ظهور و حضرت مهدی علیه السلام از مصادیق اهم این مقوله است.

این نکته، به عنوان عملی که محبوب الاهی است، بر شمرده شده؛ چنان که امیر المومنان علیه السلام می‌فرماید:

همانا دوست‌داشتنی‌ترین کارها در پیشگاه خداوند انتظار فرج است تا وقتی که مؤمن این حالت خود را حفظ کند (مجلسی، ۱۳۷۸: ۸۹۴).

انتظار فرج در بیانات مبارک نبی اسلام صلی الله علیه و آله خود عبادت است:
انتظار الفرج عبادة (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۰۵).

حتی بالاترین عبادت دانسته شده است:

افضل اعمال امتی انتظار الفرج (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴).

نبی مکرم و ائمه اطهار علیهم السلام عملاً همواره مومنین را به امیدوار بودن نسبت به آینده و پایان‌پذیری مشکلات توجه داده‌اند؛ چنان که امیرمؤمنان علیه السلام در این باره می‌فرماید:

إِنَّ لِلْمَحْنِ غَايَاتٍ وَ لِلغَايَاتِ نَهَايَاتٍ؛ به درستی که از برای محنت‌ها مدت‌هاست، و از برای مدت‌ها پایان‌هاست (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۰۲).

آنان همواره در هنگامه‌های سختی و بروز مشکلات به پیروان خود، امیدوار بودن به آینده را دستور داده‌اند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

فَإِنَّ اللَّهَ سَيَجْعَلُ لَكَ فَرْجًا (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۲۵۰).

نتیجه این امید را جستن هدف و رسیدن به آن برشمرده‌اند؛ چنان که امام علی علیه السلام می‌فرماید:
فَإِنَّ كُلَّ رَاحٍ طَالِبٍ؛ هر امیدواری جوینده است (همان، ج ۲: ۳۴۳).

۲. امید به آخرالزمان

بشر همواره نسبت به سرنوشت خود نگران بوده است. این دغدغه و نگرانی با نگرشی کوتاه به تاریخ گذشته حیات بشر به دست می‌آید. انسان بر مبنای فطرت الاهی خود و مبانی دینی، آینده را روشن می‌داند؛ اما نسبت به آخرین برهه از آینده که به آخرالزمان شهرت یافته است؛ نگرش ویژه‌ای دارد؛ چون در این برهه از زمان است که آخرین امید بشر محقق می‌گردد.

ادیان ابراهیمی، ضمن تایید و تبیین این دوره، امید بشر را به این قطعه زمانی معطوف کرده و آخرالزمان را برهه‌ای خاص و متمایز از گذشته می‌دانند که این، خود به دو دوره

تقسیم می‌شود:

الف - دوره اول: مشخصه اصلی آن، ظلم و ناعدالتی در همه ابعاد و عرصه‌های زندگی بشر است. این دوره آبستن حوادث و لغزشگاه‌های بسیاری است. این ادیان ضمن تبیین این دوره و تذکر به پیروان خود، برای برون رفت از مشکلات این دوره، راهکارهایی ارائه کرده‌اند. ب- دوره دوم: همان دوره زیبا و سرشار از عدالت در همه عرصه‌های زندگی بشر است. در این دوره به تمام امید و خواسته‌های والای انسان در سایه‌سار حکومت عدل الهی جامه عمل پوشانده خواهد شد.

برای مباحثی در زمینه آمدن موعود، جاودانگی روح، پایان این جهان و فرارسیدن جهان دیگر، واژه «اسکاتولوژی» به کار می‌رود.

الف - امید به آخرالزمان در آیین یهود

باور رایج قوم یهود این است که ظهور «ماشیح» در آخرالزمان صورت می‌گیرد و در این دوره است که عزت از دست رفته قوم یهود باز می‌آید و آن‌ها به ارض موعود و مقدس خود باز گشته، به بازسازی هیکل سلیمان می‌پردازند. پیشگویی‌های حزقیال نبی در تورات، ترسیم کننده آخرالزمان است.

در بیش‌تر عبارات کتاب مقدس یهود، آخرالزمان به معنای «روز خداوند» و «روز انتقام از گنهکاران و پاداش به نیکوکاران» است که هم به معنای پایان جهان و شروع قیامت و عالم جدید و هم به معنای پیروزی قوم برگزیده خداوند و حکومت آن بر سرتاسر جهان و شکست اهریمن است؛ دورانی که انتظار قوم یهود به سر می‌آید و وعده الهی تحقق می‌یابد (محمدی، ۱۳۹۰: ۶۰).

در تومارهای بحر المیت، «روز داوری» و «روز خداوند» بسیار نزدیک تصور شده است. نویسندگان این تومارها، از پیروان خود می‌خواهند هر لحظه منتظر فرارسیدن آن روز باشند. یکی از این تومارها، «جنگ فرزندان نور با فرزندان ظلمت» نام دارد. این تومار جنگ بزرگی را شرح می‌دهد که در آخرالزمان میان نیروهای خیر و شر در خواهد گرفت و سرانجام پس از چهل سال، فرزندان نور به یاری خداوند و فرشتگان، بر فرزندان ظلمت و نیروهای شیطانی

پیروز خواهند شد. تومار دیگری به نام «سرود شکرگزاری» از داوری بزرگ و پاک شدن جهان از گناه، فساد، مرگ و نو شدن هستی سخن می‌گوید و حتی در نوشته‌های پس از اسارت بابل، بازگشت الیاس نبی، با آخر الزمان پیوند خورده است. او به منزله پیشاهنگ ماشیح مطرح می‌شود. الیاس در واداشتن یهود به توبه و پی‌ریزی صلح و آرامش میان طبقات مختلف و برگرداندن دل‌های پدران و فرزندان به یکدیگر نقش مهمی خواهد داشت (رسول زاده، ۱۳۸۹: ۶۷).

ب- امید به آخرالزمان در آیین مسیحیت

حیات مسیحیت بر اعتقاد به بازگشت دوباره «مسیح» در آخرالزمان استوار است و خود، عاملی مهم برای پویایی و تحرک این دین به شمار می‌رود. مسیحیان معتقدند مسیح برای کفاره گناه نخستین به صلیب شد و به آسمان بازگشت و برای کارکرد آخرت شناسانه خود، به زمین باز می‌گردد که این بازگشت، در آخرالزمان صورت می‌پذیرد. از این رو همواره امید فرد مسیحی به آخرالزمان پیوند خورده است.

آخر الزمان در مسیحیت، دوره‌ای است که در آن، عیسی بازمی‌گردد و «روز عظیم» آغاز می‌شود. در آن روز، داوری نهایی انجام می‌شود و انسان به پاداش و کیفر کار نیک و بد خود می‌رسد. بنابراین، آخر الزمان و آخرت انطباق دارند (رسول زاده، ۱۳۸۹: ۶۷). مکاشفه توحنا تبیین‌کننده دوران آخرالزمان در دین مسیحیت می‌باشد.

و بر، معتقد است که امید به آخرالزمان، در مسیحیان اولیه در اوج بوده است. او می‌گوید: مسیحیان اولیه سرشار از امید به معاد و دل‌بستگی به آخرت بودند (شجاعی زند، ۱۳۷۹: ۱۱۱) اما در قرون بعد، با انحرافات که در میان آنان مخصوصاً در قرون وسطا صورت پذیرفت، این امید شیب نزولی به خود گرفته و کم رنگ شده است.

ج- امید به آخرالزمان در آیین اسلام

با مطالعه متون اسلامی به دو نگاه آخرت شناسانه بر می‌خوریم:

الف- آخرتی به معنای معاد و قیامت که مراد، رستخیز نهایی و قیامت کبراست که آن،

با رستاخیز همه مردگان و حضور در دادگاه عدل الهی شروع می‌شود و سرآغاز زندگی جاودانه انسان است.

ب- آخرتی به معنای آخرالزمان که این دوره، در همین دنیا و قبل از برپایی قیامت صورت می‌گیرد و خود به دو بخش تقسیم می‌گردد:

(۱) بخش اول که با ظلم و انحطاط واقعی بشر همراه است.

(۲) بخش دوم که با ظهور مهدی علیه السلام از نسل پیامبر خاتم صلوات الله علیه شروع می‌گردد و به حاکمیت دین مبین اسلام منجر خواهد شد. این دوره، دوره تجلی واقعی حق و عدالت در همین دنیا است.

امتیاز دین اسلام نسبت به دو دین دیگر، در آن است که نجات بشر و پیروزی دین حق در نهایت، هم در دنیا و هم در آخرت است و این باعث امیدواری بیش‌تر مردم و جامعه می‌گردد (محمدی، ۱۳۹۰: ۲۷۶).

همه مسلمانان، بر مبنای قرآن و احادیث نبوی، امید خود را به بخش دوم آخرالزمان معطوف کرده‌اند و به مهدی‌ای معتقد هستند که در آخرالزمان ظهور می‌کند و: «هو إمامٌ یَخْرُجُ فِی آخِرِ الزَّمانِ» (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷: ۹) و به دورانی امیدوارند که در سایه قدرت الهی حکومت صالحان و عدل برپا خواهد شد. امام علی علیه السلام در وصف یاران منجی عالم بشریت می‌فرماید:

رِجالٌ مؤمنون عرفوا الله حقَّ معرفته و هم أنصار المهدی فی آخر الزمان
(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۷: ۲۲۹).

۳. امید به آمدن منجی

امید به آمدن مصلحی بزرگ در آینده و استقرار عدل و عدالت از مشترکات همه ادیان است و از آن‌جا که این نکته بر آمده از فطرت انبای بشر است، مورد قبول و اتفاق همه مردم می‌باشد و این اندیشه، با وجود آدمی، آمیخته شده و به قوم یا دین یا مذهب منحصر نمی‌شود.

از اصلی‌ترین آموزه‌های پیامبران در ادیان جهان، نوید و ایجاد نور امید در دل پیروان خود،

نسبت به آمدن مصلحی الهی برای برپایی حکومت شایستگان است. ادیان غیر الهی نیز برای این خواسته فطری بشر راهکاری ترسیم کرده و مصداقی برای این ندای درونی ارائه کرده‌اند. امید به مردی الهی از نسل پاکان که برای رهایی بشر سرخورده و ستم دیده پا به عرصه خواهد گذاشت و حکومت عدل الهی را پایه‌گذاری خواهد کرد و به امید بشر به آینده و آخرالزمان جامه عمل خواهد پوشاند؛ از اصول حتمی در ادیان ابراهیمی است و نسبت به دو امید قبل جایگاه ویژه و بالاتری دارد و به نحوی مکمل و مصداقی برای امید در آینده و امید به آخرالزمان می‌باشد.

الف - امید به منجی در آیین یهود

یهودیان همواره به آمدن موعود (ماشیح) امیدوارند تا واسطه رساندن آنان به ارض موعود گردد. آن‌ها به آمدن موعودی امیدوار هستند که تایید یافته از طرف «یهوه» و دارای موهبت و قدرت الهی است. او می‌آید تا قوم برگزیده یهوه را با عزت به ارض موعود رهنمون گردد. ظهور مسیحا و امید به آینده‌ای روشن، از اصلی‌ترین آموزه یهود است (طاهری، ۱۳۹۰: ۲۱۶). یهودیان از زمان حضرت داوود، همواره منتظر ظهور ماشیح بوده و می‌باشند و پیش از او «الياهو»، منادی ظهور ماشیح خواهد بود (کلاپرمن، ۱۳۴۹، ج ۲: ۱۵۴). آنان بر اساس باوری دیرینه معتقدند که خدا از میان همه ملت‌ها، آنان را برگزیده است و تیره‌روزی‌های آنان با آمدن فرزندی از نسل داوود به پایان خواهد رسید. آنان با وجود این باور و امید به آن آینده، سختی‌هایی چون اسارت، تبعید، پراکندگی و غارت همسایگان را تحمل کرده‌اند (صادق‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۷۳).

یهودیان همواره به این جمله کتاب ارمیا امیدوار بوده‌اند «اینک روزی فرا خواهد رسید که من شخص عادل را از نسل داوود به پادشاهی منصوب خواهم کرد. او پادشاهی خواهد بود که با حکمت و عدالت حکومت کرده، در سراسر دنیا، عدالت را اجرا خواهد نمود (ارمیا ۳۳: ۵).

کتاب مقدس یهودیان، روزگار آمدن موعود را این‌گونه وصف کرده است:

او با عدالت و صداقت حکومت خواهد کرد. در آن زمان گرگ و بره در کنار هم به سر خواهند برد؛ پلنگ و بزغاله با هم خواهند خوابید؛ گوساله با شیر راه خواهد

رفت و یک کودک، آن‌ها را به هر جا که بخواهد، خواهد راند. گاو در کنار خرس خواهد چرید؛ بچه خرس و گوساله در کنار هم خواهند خوابید، و شیر مانند گاو علف خواهد خورد. بچه شیرخوار در میان مارها، بدون خطر بازی خواهد کرد؛ و طفلی که از شیر گرفته شده باشد، دست خود را داخل لانه افعی خواهد کرد، بی آن که آسیب ببیند (اشعیا، ۱۱: ۹-۶).

ب- امید به منجی در آیین مسیحیت

از آن‌جا که شکل‌گیری مسیحیت بر مبنای بازگشت دوباره مسیح است؛ در این آیین، امید و شوق به بازگشت مسیح (در قالب منجی) از جایگاه ویژه و با اهمیتی برخوردار است. در واقع، اعتقاد به رستاخیز عیسی بود که گروهی از یهودیان سده اول میلادی، با قبول و ترویج آن، راه را از آموزه‌های یهودی جدا کرده و دینی جدید (مسیحیت) تاسیس کرده و همواره نور امید به آمدن دوباره مسیح را در دل پیروان خود روشن نگه داشته‌اند. این اعتقاد، به سنگ زیر بنای ایمان فردی مسیحی تبدیل گشت:

زیرا انسان با قلب، ایمان می‌آورد و نیک محسوب می‌گردد و با لب‌های خود به ایمانش اعتراف می‌کند و نجات می‌باید (رومیان ۱۰: ۹).

موضوع بازگشت مسیح، در انجیل، بیش از سیصد مرتبه مورد بررسی قرار گرفته که گویای اهمیت والای آن است. فرد مسیحی مؤمن، همواره در انتظار بازگشت شکوهمند مسیح خواهد بود تا با او در ملکوت الاهی همراه گردد.

جامعه مسیحیت در آغاز، باور داشت که عیسی به زودی با شکوه تمام باز می‌گردد و به این دلیل، بی‌صبرانه منتظر روز پایانی بودند (میشل، ۱۳۸۷: ۱۰۰). نویسنده کتاب قاموس کتاب مقدس می‌گوید:

مسیح امید تمام مؤمنین است؛ زیرا تمام اعتماد ایشان بر اوست و در آمدن دوباره او، امید جلال ایشان صورت می‌گیرد و تحقق فعلی پیدا می‌کند (هاکس، ۱۳۷۷: ۱۰۸).

فرد مسیحی همواره به تحقق این فراز کتاب مقدس امیدوار است که دیگر طولی نخواهد

کشید و آن که قرار است بیاید؛ خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد (رساله به عبرانیان ۱۰: ۳۷). او می‌آید تا به همه ایمان و امید آن‌ها جامه عمل پوشانده و آنان را به کمال برساند:

در روزی که او می‌آید، از مقدّسین خود جلال خواهد یافت و تمام ایمانداران از دیدن او متعجّب خواهند شد و شما نیز جزء آن‌ها خواهید بود؛ زیرا به شهادت ما ایمان آوردید. به این سبب، ما همیشه برای شما دعا می‌کنیم که خدای ما، شما را شایسته دعوت خود گرداند و همه آرزوهای نیکوی شما را برآورد و فعالیت‌های شما را که از ایمان سرچشمه می‌گیرد، با قدرت خود به کمال برساند! (دوم تسالونیکیان ۱: ۱۰-۱۱).

ج- امید به منجی در آیین اسلام

از آن‌جا که پیروزی جریان حق و عدالت بر باطل و ظلم، خواسته فطری هر انسان است؛ ادیان بزرگ ظهور فردی را برای به ثمر رساندن این خواسته بشر نوید داده‌اند. در این بین، دین اسلام، مخصوصاً با نگرش شیعی آن، نسبت به این انگاره تبیین گسترده‌تری صورت داده است. ظهور مردی از اهل بیت پیامبر ﷺ به نام مهدی علیه السلام که عدالت را در گستره عالم اجرایی کند، همواره مورد انتظار و امید مسلمانان بوده است.

قرآن و سنت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم مهم‌ترین منبع و خواستگاه شکل‌گیری این اندیشه می‌باشد. در قرآن، به منجی مورد نظر اسلام توجه ویژه شده؛ مانند، پیروزی حق بر باطل (فتح: ۲۸؛ توبه: ۳۳؛ مجادله: ۵۶؛ انفال: ۷؛ صافات: ۱۷۲ و انبیاء: ۱۸) و تشکیل حکومت مستضعفان و صالحان (انبیاء: ۱۰۵؛ اعراف: ۱۲۸؛ قصص: ۵ و نور: ۵۵) نوید داده شده که مصداق اتم و اکمل آن «مهدویت» تلقی می‌شود.

سنت نبوی در اسلام، در بردارنده تمام چیزی است که برای تاسیس آموزه منجی موعود در مجموعه آموزه‌های دین لازم است. روایات فراوانی آشکارا منجی موعود اسلام را با اسم و عنوان معرفی می‌کند. این احادیث در بر دارنده جزئیات بسیاری درباره شخص منجی، حوادث پیش از او، مقارن ظهور او، و ثمرات و نتایج قیام اوست (محمدی مظفر، ۱۳۸۹: ۲۷۰).

این اندیشه می‌تواند برای ایجاد روحیه امید و پویایی بهترین نقش را داشته باشد که خود

عاملی برای رشد اجتماع، آن‌هم در همه عرصه‌ها خواهد بود. به عبارت دیگر، باور به مهدویت است که بستر و پیام‌آور این امید است.

اما امید به منجی، در نگرش شیعه اثنا عشری، از جایگاه والاتری برخوردار است؛ زیرا از طرفی شیعیان، مهدویت را در امتداد امامت و وحی و رابطه‌ای بین خود و خدا و نیز موعود را آخرین امام و واسطه فیض می‌دانند و از طرفی منجی خود را متولد شده و موجود می‌دانند که بر جامعه اثر دارد و در نامالایمات و سختی‌ها دستگیر آن‌هاست و از طرفی اعتقاد به انتظار و امید به فرج را امری مقدس و وظیفه‌ای شرعی دانسته‌اند؛ امری در ردیف شهادت و جهاد می‌باشد:

المنتظر لأمرنا كالمتشحط بدمه في سبيل الله؛ منتظر امر ما مانند کسی است که در راه خدا به خون خود درگلتند (صدوق، ۱۳۸۰، ج ۲: ۵۴۸).

موضوع انتظار ظهور حضرت حجت، آخرین امام زنده و حاضر شیعیان در عصر غیبت، یکی از مهم‌ترین عناصر تفکر شیعی می‌باشد. این عنصر است که شیعه را از دیگر فرقه‌های اسلامی متمایز می‌سازد و به عنوان مهم‌ترین عامل تحرک و پویایی شیعیان و امید آنان به آینده روشن جهان شمرده می‌شود. به همین دلیل، بزرگ‌ترین دغدغه و آرمان انسانی آنان، فرارسیدن زمان قیام حضرت بقیت الله الأعظم علیه السلام است که موجب می‌شود همواره با شوق فراوان، تعجیل در ظهور آن مصلح جهانی از خداوند بخواهند (صمدی، ۱۳۸۶: ۵۷). به عبارت دیگر، هدف اصلی از انتظار، زنده نگه داشتن روح امید و نشاط، احساس تعهد و مسئولیت و پیوند روحی با امام موعود است (حاتمی، ۱۳۸۵: ۱۶۹).

نتیجه

«امید»، از مسائل مهم و اساسی در عرصه فردی و اجتماع است و برای بسیاری از موضوعات اجتماعی نقش محوری دارد. طبیعی است موضوع امید در ادیان، مخصوصاً ادیان ابراهیمی که داعیه اصلاح فرد و اجتماع را دارند، به نحو خاص و ویژه‌ای مطرح گردد.

این موضوع در سه محور مورد بحث و بررسی قرار گرفته است:

۱. امید به آینده: این نگاه، برای ایجاد روحیه امید به آینده و عدم یاس از وضعیت موجود

است تا ضمن ایجاد بارقه‌های امید، آن‌ها را از خمودی رهایی دهد و با ترسیم آینده‌ای بهتر از امروز، موجبات گذر از وضعیت موجود را فراهم سازد.

۲. امید به آخرالزمان: این محور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که در قسمت اول آن تاریکی و خطر و آسیب‌های فراوانی به چشم می‌خورد. ادیان ابراهیمی برای حفظ ایمان و برون رفت از این ورطه، راهکارهایی ارائه کرده‌اند. قسمت دوم سراسر نور و زیبایی و عدالت است که این دوره میعادگاه امید بشر است.

۳. امید به آمدن منجی: در این محور، امید به آمدن فردی الهی از نسل پاکان متصور می‌گردد. این امید نسبت به دو امید قبل از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ چون از طرفی مکمل مقوله امید است و از طرفی مهم‌ترین مصداق برای امید به آینده و آخرالزمان می‌باشد. این امید به منجی است که موجب پویایی و نشاط و معنابخشی در جامعه می‌شود؛ پناهگاهی معنوی برای مردم و زمینه‌ساز رشد و تعالی بشر و محرکی برای نبرد با ظلم و ستم و انقلاب قلمداد می‌گردد؛ تسکین دهنده‌ای نیرومند برای پیروزی بر مصایب و مشکلات می‌باشد و از عوامل مهم برای انسجام اجتماعی به شمار می‌رود.

بدیهی است هر کدام از ادیان که نسبت به امید و منجی تصور واضح‌تری ارائه کنند، در رسیدن به موارد مذکور، هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی توفیق بیش‌تری دارند. در این بین، نگرش شیعه از مقوله امید بیش از همه ادیان و مذاهب است که این امید و منجی در بسیاری از مسائل نقش محوری و کلیدی خود را نشان داده، دارای کارکردهای بسیاری است.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ه.ق). *الغیبة*، ترجمه علی اکبر غفاری، اول، تهران، نشر صدوق.
۲. پاینده، ابو القاسم (۱۳۸۲). *نهج الفصاحة*، چهارم، تهران، دنیای دانش.
۳. پور سید آقایی، زهرا سادات (۱۳۸۸). *بررسی تطبیقی شخصیت انسان منتظر با شخصیت سالم از دیدگاه روان شناسی کمال*، مشرق موعود، شماره ۱۲، سال سوم، قم، آینده روشن.
۴. تمیمی آمدی، عبد الواحد (۱۳۶۶). *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*، ترجمه مصطفی درایتی، قم، دفتر تبلیغات.
۵. حاتمی، محمدرضا، *تعجلی امید در فرهنگ مهدویت*، قم، فصلنامه مشرق موعود، پیش شماره، سال اول، تابستان ۸۵.
۶. رسول زاده، عباس (بهار ۱۳۸۹). *آخر الزمان و حیات اخروی در یهودیت و مسیحیت*، شماره ۲، قم، معرفت ادیان.
۷. شجاعی زند، علی رضا (۱۳۷۹). *آنک مسیح... اینک انسان*، قم، فصلنامه هفت آسمان، شماره ۸، سال دوم.
۸. شرفی، محمدرضا (۱۳۸۲). *مقدمه‌ای بر آثار تربیتی و روان شناختی انتظار*، شماره ۳۸، قم، موعود.
۹. شیخ صدوق (۱۳۸۰). *کمال الدین و تمام النعمه*، ترجمه پهلوان، اول: قم، دار الحدیث.
۱۰. شیخ صدوق (۱۳۸۵). *علل الشرائع*، اول، قم، کتاب فروشی داوری.
۱۱. شیخ صدوق (۱۳۹۵ه.ق). *کمال الدین و تمام النعمه*، دوم، تهران، اسلامیه.
۱۲. صادق‌نیا، مهرباب (۱۳۸۶). *درآمدی بر آموزه نجات بخش در مسیحیت*، مشرق موعود، شماره ۴، سال اول، قم، آینده روشن.
۱۳. صمدی، قنبرعلی (۱۳۸۶). *تأثیر مردم در تعجیل در ظهور*، مشرق موعود، شماره ۴، سال اول، قم، آینده روشن.
۱۴. طاهری، محمد حسین (۱۳۹۰). *یهودیت*، اول، قم، مرکز بین المللی المصطفی.
۱۵. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ه.ق). *الأمالی*، اول، قم، دار الثقافة.
۱۶. کلاپرمن، ژیلبرت و لیبی (۱۳۴۹). *تاریخ قوم یهود*، ترجمه مسعود همتی، اول، تهران، نشر گنج دانش.
۱۷. کتاب مقدس (۱۸۹۵م). *ترجمه قدیم*، سوم، ایلام، بی‌نا.

۱۸. کلباسی اشتری، حسین (۱۳۸۵). *عناصر و نوشته‌های پیش‌گویانه در عهد عتیق*، مجله پژوهش‌های فلسفی.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ه.ق). *الکافی*، چهارم، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الإسلامية.
۲۰. کنت، جان (۱۳۸۳). *ویژگی و امکان‌الاهیات مسیحی در روزگار ما*، ترجمه: محمدرضا بیات، شماره ۲۱، سال ششم، قم، هفت آسمان.
۲۱. گرینستون، جولیوس (۱۳۸۷). *انتظار مسیحا در آیین یهود*، دوم، ترجمه حسین توفیقی، قم، دانشگاه ادیان.
۲۲. مجلسی، محمد باقر (۱۳۷۸). *مهدی موعود، ترجمه بحار الأنوار*، بیست و هشت، تهران، اسلامیه.
۲۳. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ه.ق). *بحار الأنوار*، دوم، بیروت، دار إحياء التراث.
۲۴. محمدی مظفر، محمد حسن (۱۳۸۹). *گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در قرآن و سنت نبوی*، اول، قم، دانشگاه ادیان، ۱۳۸۹ش.
۲۵. محمدی، محمد حسین (۱۳۹۰). *آخرالزمان در ادیان ابراهیمی*، دوم، قم، بنیاد حضرت مهدی، چاپ دوم.
۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، ج ۲۷، تهران، صدرا.
۲۷. مک‌گراس، آلستر (۱۳۸۴). *الهیات مسیحی*، اول، ترجمه بهروز حدادی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان.
۲۸. میشل، توماس (۱۳۸۷). *کلام مسیحی*، سوم، ترجمه حسین توفیقی، قم، دانشگاه ادیان.
۲۹. وحیدی مهرجردی، شهاب‌الدین (۱۳۸۹). *درآمدی بر آیین پروتستان*، اول، قم، نشر ادیان.
۳۰. هاکس، جمیز (۱۳۷۷). *قاموس کتاب مقدس*، اول، تهران، اساطیر.